



Sociology of Education

Providing a Scaffolding Model to Enhance Educational Quality with the Mediation of Time Management and Self-Directed Learning among Middle School Students

Nasibeh Faghih Aliabadi¹, Babak Hosseinzadeh²*, Ali Asghar Shojaei³

1. PhD student, Department Educational Sciences, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Educational Management, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** manzari.v63@gmail.com

Research Paper

Receive: 2024/08/28
Accept: 2024/08/03
Published: 2024/09/09

Keywords:

scaffolding, time management, self-directed learning, educational quality.

Article Cite:

Faghih Aliabadi N, Hosseinzadeh B, Shojaei A. (2024). Providing a Scaffolding Model to Enhance Educational Quality with the Mediation of Time Management and Self-Directed Learning among Middle School Students, *Sociology of Education*. 10(2): 127-140.

Abstract

Purpose: This study aimed to provide a scaffolding model to enhance educational quality with the mediation of time management and self-directed learning.

Methodology: The study was conducted using an exploratory mixed-method approach. The statistical population included academic and organizational experts and middle school students in Qaemshahr during the 2021-2022 academic year. In the qualitative section, 20 individuals were selected by purposive non-random sampling, and in the quantitative section, 372 individuals were selected by stratified random sampling. Data were collected through the Delphi technique and a researcher-made questionnaire and analyzed using SPSS and Smart PLS software.

Findings: The findings indicated that "scaffolding" comprises six components, "time management" comprises six components, "self-directed learning" comprises eight components, and "educational quality" comprises nine components. The results showed that scaffolding, time management, and self-directed learning significantly impact educational quality.

Conclusion: The results indicated that scaffolding, time management, and self-directed learning significantly impact educational quality. These techniques are recommended as effective strategies to improve the teaching-learning process. Proper planning and implementation of these elements can lead to enhanced educational quality.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



جامعه‌شناسی آموزش و پرورش

ارائه الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه

نصیبه فقیه علی آبادی^۱، بابک حسین زاده^۲، علی اصغر شجاعی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار، گروه مدیریت آموزشی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

✉ ایمیل نویسنده مسئول: manzari.v63@gmail.com

مقاله تحقیقاتی	چکیده
<p>دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۸</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳</p> <p>انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹</p> <p>واژگان کلیدی: داربست زنی، مدیریت زمان، یادگیری خودراهبری، کیفیت آموزشی.</p> <p>استناد مقاله: فقیه علی آبادی ن، حسین زاده ب، شجاعی ع. (۱۴۰۳). ارائه الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، ۱۰(۲): ۱۴۰-۱۲۷.</p>	<p>هدف: این پژوهش با هدف ارائه الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری انجام شد.</p> <p>روش‌شناسی: این مطالعه به روش آمیخته اکتشافی انجام شد. جامعه آماری شامل خبرگان آکادمیک و سازمانی و دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان قائمشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. در بخش کیفی، ۲۰ نفر به روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و در بخش کمی، ۳۷۲ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. داده‌ها از طریق تکنیک دلفی و پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری و با نرم‌افزارهای SPSS و Smart PLS تحلیل شد.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که «داربست زنی» شامل شش مولفه، «مدیریت زمان» شامل شش مولفه، «یادگیری خودراهبری» شامل هشت مولفه و «کیفیت آموزشی» شامل نه مولفه است. نتایج نشان داد که داربست زنی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری تاثیر معناداری بر کیفیت آموزشی دارند.</p> <p>بحث و نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد که داربست زنی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری به‌طور معناداری بر کیفیت آموزشی تاثیر دارند. این تکنیک‌ها به عنوان راهبردهای مؤثر برای بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری پیشنهاد می‌شوند. برنامه‌ریزی و اجرای صحیح این مولفه‌ها می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزشی منجر شود.</p>



<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

کیفیت آموزش باید تمام کارکردها و فعالیت‌های مدرسه از قبیل فرآیند یاددهی-یادگیری، دانش‌آموزان، معلمان، امکانات و تجهیزات و غیره را شامل شود یا به عبارتی دیگر باید تمام عناصر فرآیند یاددهی-یادگیری اعم از درون‌داده، فرآیند و برون‌داده مورد توجه باشد (Elhamifar et al., 2019; Golabchi et al., 2024; Kafshchian Moghadam et al., 2024; Rahman et al., 2022; Safikhani, 2022; Shariati et al., 2024; Sobhani et al., 2020; Yang & Seyed Alitabar, 2024). در مورد اهمیت کیفیت در آموزش و پرورش، کمپ صاحب‌نظران معتقدند: آموزش و پرورش باید به تعالی بپردازد؛ اگر به کیفیت توجه نکنیم، همه کوشش‌ها و هزینه‌های ما بیهوده است، زیرا نه فقط عمر دانش‌آموزان خود را تباه کرده‌ایم بلکه توانایی خویش را برای رقابت و بقا در جهان که خود را مسئول زندگی ما نمی‌داند، از دست داده‌ایم (Miao, 2022). کیفیت آموزش در مدارس یکی از موضوعات مورد بحث و پیچیده آموزش و پرورش بوده و موضوع ارتقاء کیفیت آموزش یک موضوع علمی مهم است که در صورت حصول به رشد و تعالی جامعه می‌انجامد. کیفیت را می‌توان معادل مطلوبیت دانست و بر همین اساس ارتقاء کیفیت را می‌توان معادل گذر از وضع موجود و دستیابی به وضع مطلوب قلمداد کرد. برای نیل به چنین هدفی باید ابتدا وضعیت کنونی آموزش در مدارس بررسی شود و سپس با استفاده از ابزار مناسب آن را به سطح بالاتر ارتقاء داد و سپس سطح آن را ارزیابی کرد (Agranovich et al., 2019; Chen, 2024).

در سال‌های بعد از انقلاب اسلامی توجه به کیفیت آموزشی به خصوص در آموزش و پرورش بیش از پیش اهمیت یافته است. در حال حاضر، کوشش‌های مرتبط با ارزیابی کیفیت و بهبود آموزش در اغلب کشورهای جهان رو به گسترش است. برخی از این کوشش‌ها منجر به ایجاد سازمان‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی در ارزیابی و اعتبارسنجی شده است (Sobhani et al., 2020).

پژوهش‌های متعدد در زمینه چگونگی بهره‌گیری از داربست‌های آموزشی در محیط‌های یادگیری انجام شده است، ولی شواهد تجربی اندکی در زمینه تاثیر بهره‌گیری از راهبردهای داربست زنی آموزشی در یادگیری و یادداری وجود دارد (Kipchumba et al., 2019). در ابتدای دهه ۱۹۸۰ پژوهشگران داربست زنی را با مفهوم منطقه‌ی تقریبی رشد ویگوتسکی (۱۹۷۸) ارتباط دادند. ریشه واژه داربست زنی به مطالعات وود، برونر و راس (۱۹۷۶) برمی‌گردد که در آن مطالعات پیشنهاد شد که داربست زنی آموزشی می‌تواند یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشد. به این منظور آموزگاران باید اجزای تشکیل دهنده تکالیف یادگیری را که فراتر از گنجایش یادگیری است، کنترل کنند و به یادگیرنده امکان مطالعه و تکمیل اجزایی از درس را بدهند که در حیطه توانشان است؛ به عبارت دیگر معلمان باید از طریق ساده‌سازی تکالیف مطابق سطحی که یادگیرنده توان مدیریت داشته باشد از یادگیرنده پشتیبانی کنند (Sahito & Väisänen, 2017).

در این روش معلم با استفاده از روش‌های گوناگون، فضایی امن برای یادگیرندگان فراهم می‌آورد تا آن‌ها را تشویق کند که با تعامل با همکلاسی‌ها و معلم خود به یادگیری مشغول شوند (Hutapea, 2023). داربست زنی آموزشی به عنوان پشتیبانی موقت و به منظور رشد توانایی‌های تفکر و یادگیری مستقل در یادگیرنده انجام می‌شود و با کم شدن نیاز به پشتیبانی در یادگیرنده، به تدریج حذف می‌شود و بدین ترتیب مسئولیت مدیریت تکالیف و یادگیری از معلم به یادگیرنده منتقل می‌شود (Tsiligiris & Hill, 2019). به طور کلی داربست زنی آموزشی فرآیند ایجاد نقش فعال برای یادگیرنده به منظور مدیریت یادگیری خود و کسب مهارت در یادگیری تعریف شده است (Paudel, 2020).

یکی از پیش‌نیازهای یادگیری تحصیلی و اجتماعی در کودکان و نوجوانان، برنامه‌ریزی، سازماندهی، مدیریت زمان، توجه، حافظه کاری و فراشناخت است. این مهارت‌ها شامل مجموعه‌ای از توانایی‌های عالی، شناختی و فراشناختی شامل خودراهبری، خودآغازگری، برنامه‌ریزی، انعطاف شناختی، حافظه کاری، سازماندهی، ادراک پویا از زمان، پیش‌بینی آینده و حل مسئله است (Faramarzi Babadi et al., 2024; Miri Rami et al., 2022; Şahin et al., 2024). آدمی با اعمال مدیریت زمان به حالت خودنظمی می‌رسد. به عبارت دیگر بدون اینکه سازوکارهای خارجی رفتار و اعمال انسان را تحت کنترل درآورد، فرد اعمال و رفتار خود را کنترل می‌کند و زمان لازم را برای انجام دادن فعالیت‌های مهم در نظر می‌گیرد (Liu et al., 2021).

به طور کلی، پژوهش‌ها نشان داده که مدیریت زمان، داربست‌زنی و یادگیری خودراهبری تاثیر معناداری بر کیفیت آموزشی دارند. سیری در پژوهش‌های انجام گرفته برای محقق این مسئله را روشن ساخت که در کشورمان و در نظام آموزش و پرورش، تکنیک‌های نوین در فرآیند یاددهی - یادگیری مانند تکیه‌گاه‌سازی، چندان جدی تلقی نشده و در عمده موارد، مدارس به همان شیوه‌های سنتی و قدیمی آموزش پایبند هستند، حال آنکه تاثیر شیوه‌های آموزش بر «کیفیت آموزش و پرورش»، «یادگیری خودراهبری» و «مدیریت زمان» دانش‌آموزان، در بسیاری از پژوهش‌ها به اثبات رسیده است (Blegur et al., 2019).

بنابراین، این پژوهش تا حدودی در پی پرکردن خلاء تحقیقاتی باشد که در این خصوص وجود دارد. با توجه به اهمیت موضوع، تحقیق حاضر در پی ایجاد ارتباط بین «تکیه‌گاه‌سازی» به عنوان یکی از روش‌های نوین فرآیند یاددهی - یادگیری و «کیفیت آموزشی» با نقش میانجی «یادگیری خودراهبری» و «مدیریت زمان» بوده و در پی ارائه الگو در نظام آموزش و پرورش بوده و سوالات زیر مطرح گردید:

مولفه‌های الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، کدام‌اند؟ روابط میان متغیرهای الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، چگونه است؟

میزان اهمیت مولفه‌های الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه، چگونه است؟

روش‌شناسی

تحقیق به لحاظ هدف کاربردی و از نظر روش تحقیق، ترکیبی به صورت آمیخته کیفی-کمی بود. در بخش کیفی، الگوی پژوهش شناسایی شد و در بخش کمی، الگوی شناسایی شده در جامعه آماری واقعی مورد آزمون قرار گرفت. جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی شامل گروهی از خبرگان آکادمیک (اساتید رشته مدیریت آموزشی و علوم تربیتی در مراکز آموزش عالی)، خبرگان سازمانی (مدیران عالی و میانی نظام آموزش و پرورش) و متخصصان مرتبط با موضوع پژوهش بود. خصوصیات مورد نظر برای خبره بودن افراد، شامل اشراف به مباحث روش‌های نوین یاددهی-یادگیری، داربست‌زنی، کیفیت آموزش، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری بود. در این بخش، روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند بود و انتخاب این افراد و نظرسنجی از آنان تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. در نهایت با نظرسنجی از ۲۰ نفر از خبرگان، داده‌های مورد نیاز به دست آمد. اشباع نظری به معنای رسیدن به نقطه‌ای بود که نظرات جدیدی از تحلیل محتوای بخش باز نظرسنجی راند اول به دست نیاید. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی شامل دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان قائمشهر در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰، در ۴۳ مدرسه شهری (۲۳ دخترانه و ۲۰ پسرانه) و ۳۶ مدرسه روستایی (۱۷ دخترانه و ۱۹ پسرانه) به تعداد ۱۱۸۳۶ نفر (۵۹۷۵ پسر و ۵۸۶۱ دختر) بود. روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود، به گونه‌ای که هر یک از پایه‌های هفتم، هشتم و نهم به یک طبقه تقسیم شده و در هر طبقه، دانش‌آموزان به صورت تصادفی انتخاب شدند. تعداد نمونه‌ها با توجه به جامعه معین، با بهره‌گیری از جدول کرجسی و مورگان به تعداد ۳۷۲ نفر تعیین شد و پرسشنامه‌ها به صورت تصادفی در هر طبقه پخش شد. ابزار اصلی پژوهش در مرحله کیفی، نظرسنجی از خبرگان با استفاده از چک لیست نیمه‌ساختاریافته و ساختاریافته و در مرحله کمی استفاده از پرسشنامه بسته بود. پرسشنامه شامل ۱۱۶ گویه برای سنجش وضعیت هر یک از مولفه‌های الگوی تحقیق بود. در بخش کیفی، برای تعیین روایی، محتوای چک لیست خبره‌سنجی از نظر قابل فهم بودن و گویا بودن مورد تأیید پنج تن از خبرگان دانشگاهی و سازمانی قرار گرفت و پایایی با روش آزمون مجدد، ۰٫۸۴ محاسبه و تأیید شد. در مرحله کمی، روایی پرسشنامه به سه روش صوری، محتوایی) محدوده CVR و CVI برای گویه‌ها به ترتیب بین ۰٫۷ تا ۰٫۹ و ۰٫۹۰ تا ۱٫۰ (و سازه (روایی همگرا ۰٫۵۷۱ تا ۰٫۷۲۴ و واگرا) تأیید شد. پایایی نیز به سه روش تعیین ضریب بارهای عاملی گویه‌ها، آلفای کرونباخ (۰٫۷۱۵ تا ۰٫۸۲۹) و پایایی ترکیبی (۰٫۸۴۰ تا ۰٫۸۸۶) برآورد و تأیید شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد.

روش تحقیق این پژوهش ترکیبی بوده است:

مرحله اول- بخش کتابخانه‌ای: برای ارائه الگوی پیشنهادی با بهره‌گیری از بررسی و مطالعه مطالعات و چارچوب‌های نظری گذشته.

مرحله دوم- بخش کیفی: برای رسیدن از الگوی پیشنهادی به الگوی اصلاحی (ثانویه) تحقیق، با نظرسنجی از خبرگان و بکارگیری تکنیک دلفی و محاسبات در نرم‌افزار SPSS.

مرحله سوم- بخش کمی: برای آزمون الگوی نهایی تحقیق، با نظرسنجی از نمونه‌های آماری و بکارگیری تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) و محاسبات در محیط نرم‌افزار Smart PLS.

یافته‌ها

یافته‌های گام اول: بررسی متون

برای تعیین مولفه‌های تبیین‌کننده «الگوی داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری»، تحقیقات انجام گرفته در مورد موضوع پژوهش مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت. در مرحله اول، ۱۷۲ تحقیق انتخاب شد که دارای موضوعات نزدیک به پژوهش حاضر بودند. در مرحله بعد با توجه به اهداف و سوالات تحقیق و براساس عنوان، چکیده و محتوا، تعداد ۱۳۴ تحقیق غربالگری و حذف شدند و ۳۸ تحقیق وارد مرحله بررسی نهایی شدند. در این مرحله، تمام ۳۸ تحقیق باقی مانده، مورد مطالعه قرار گرفتند تا مولفه‌های اولیه «داربست زنی در جهت ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دانش‌آموزان دوره اول متوسطه» معرفی شوند.

جدول ۱. خلاصه نتایج تحلیل کیفی داده‌های پژوهش

ردیف	متغیر	تعداد مولفه	مولفه‌ها
۱	داربست زنی	۵	داربست زنی شناختی، داربست زنی فراشناختی، داربست زنی انگیزشی، داربست زنی شناختی و فراشناختی، داربست زنی فنی (یافتی)
۲	مدیریت زمان	۴	تدوین اهداف و اولویت‌بندی، برقراری نظم و سازماندهی، کنترل بر زمان، تفویض اختیار
۳	یادگیری خودراهبری	۶	خودمدیریتی، انگیزش در یادگیری، خودکنترلی، ارتباطات بین‌فردی، خودکارآمدی، ابتکار و استقلال در یادگیری
۴	کیفیت آموزشی	۶	عملکرد معلم، فرایندهای یاددهی-یادگیری، منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، جو آموزشی، محتوای برنامه درسی، تناسب برنامه درسی با نیازهای جامع

مطابق با جدول براساس سنتز پژوهی در مقالات ۱۶۴ کد اولیه به عنوان مولفه‌ها و شاخص‌های برنامه درسی مبتنی بر دانش ریزوماتیک در دوره ابتدایی استخراج شدند.

یافته‌های گام دوم: بخش کیفی

روش دلفی یکی از روش‌های تحقیق کیفی است که از آن به منظور دستیابی به اجماع در تصمیم‌گیری‌های گروهی استفاده می‌شود. در این پژوهش، روش دلفی در مجموع در چهار دور به انجام رسید که در این بخش یافته‌های حاصل از هر دور به تفکیک ارائه گردید. محقق برای نظرسنجی از خبرگان، مولفه‌های هر یک از چهار متغیر «داربست زنی»، «مدیریت زمان»، «یادگیری خودراهبری» و «کیفیت آموزشی» را در قالب چک لیست نظرسنجی ۵ گزینه‌ای با میزان اهمیت (۱ کمترین تا ۵ بیشترین) در اختیار گروه خبرگان قرار داد. فاصله زمانی هر یک از دوره‌های دلفی، یک هفته بوده و بعد از راند اول، یک هفته بعد، راند دوم دلفی انجام شد و به همین نحو، در هفته‌های بعدی، راندهای سوم و چهارم دلفی انجام گرفت.

در مرحله کیفی پژوهش، با استفاده از تکنیک دلفی و انجام آن در چهار دور، مولفه‌های شناسایی شده در هر یک از این چهار متغیر، در بوطه آزمون قرار گرفت که نتایج به تفکیک هر متغیر، در ادامه آمده است.

مولفه‌های «داربست زنی»، براساس نتایج بخش بررسی متون، شامل داربست زنی شناختی، داربست زنی فراشناختی، داربست زنی انگیزشی، داربست زنی فنی (یافتی) و داربست زنی شناختی و فراشناختی تعیین گردید. طبق بررسی بخش دوم چک لیست نظرسنجی دور اول روش دلفی، مولفه «داربست زنی رویه‌ای» به مولفه‌های تبیین‌کننده متغیر «داربست زنی» در مرحله اول دلفی اضافه شد.

مولفه‌های «مدیریت زمان»، براساس نتایج بخش بررسی متون، شامل تدوین اهداف و اولویت‌بندی، برقراری نظم و سازماندهی، تفویض اختیار و کنترل بر زمان تعیین گردید. طبق بررسی بخش دوم چک لیست نظرسنجی دور اول روش دلفی، مولفه‌های «مدیریت ارتباطات بین فردی» و «تصمیم‌گیری مبتنی بر زمانبندی امور» به مولفه‌های تبیین‌کننده متغیر «مدیریت زمان» در مرحله اول دلفی اضافه شد.

مولفه‌های «یادگیری خودراهبری»، براساس نتایج بخش بررسی متون، شامل خودمدیریتی، انگیزش در یادگیری، خودکنترلی، ارتباطات بین‌فردی، خودکارآمدی، ابتکار و استقلال در یادگیری تعیین گردید. طبق بررسی بخش دوم چک لیست نظرسنجی دور اول روش دلفی، مولفه‌های «مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری»، «ایجاد و اشتراک‌گذاری دانش در کلاس» و «استفاده از تکنولوژی‌های نوین» به مولفه‌های تبیین‌کننده متغیر «یادگیری خودراهبری» در مرحله اول دلفی اضافه شد.

مولفه‌های «کیفیت آموزشی»، براساس نتایج بخش بررسی متون، شامل عملکرد معلم، فرایندهای یاددهی-یادگیری، منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، جو آموزشی، محتوای برنامه درسی، تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه تعیین گردید. طبق بررسی بخش دوم چک لیست نظرسنجی دور اول روش دلفی، مولفه‌های «تدوین سیستم ارزشیابی کارا»، «مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی» و «توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان» به مولفه‌های تبیین‌کننده متغیر «کیفیت آموزشی» در مرحله اول دلفی اضافه شد.

جدول ۲. توصیف آماری نظر پاسخ‌دهندگان درباره مولفه‌های تبیین کننده الگوی پژوهش (دور چهارم دلفی)

مولفه‌ها	متغیر	تعداد پاسخ‌ها	کمترین	بیشترین	میانگین	انحراف معیار
داربست زنی شناختی	داربست زنی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۱۱	۰٫۷۱
داربست زنی فراشناختی	داربست زنی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۱۳	۰٫۷۶
داربست زنی انگیزشی	داربست زنی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۲۲	۰٫۵۹
داربست زنی فنی (بافتی)	داربست زنی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۰۷	۰٫۶۷
داربست زنی شناختی و فراشناختی	داربست زنی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۱۹	۰٫۷۴
داربست زنی رویه‌ای	داربست زنی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۰۳	۰٫۸۰
تدوین اهداف و اولویت‌بندی	مدیریت زمان	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۸۸	۰٫۹۳
برقراری نظم و سازماندهی	مدیریت زمان	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۹۲	۰٫۷۶
تفویض اختیار	مدیریت زمان	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۳۸۶	۰٫۶۱
کنترل بر زمان	مدیریت زمان	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۳۸۳	۰٫۸۲
مدیریت ارتباطات بین‌فردی	مدیریت زمان	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۳۹۶	۰٫۵۳
تصمیم‌گیری مبتنی بر زمانبندی امور	مدیریت زمان	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۸۰	۰٫۷۵
خودمدیریتی	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۴۶	۰٫۵۳
انگیزش در یادگیری	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۵۴	۰٫۷۷
خودکنترلی	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۷۹	۰٫۵۵
خودکارآمدی	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۵۸	۰٫۶۵
ابتکار و استقلال در یادگیری	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۵۶	۰٫۹۳
مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۴۹	۰٫۶۱
ایجاد و اشتراک‌گذاری دانش در کلاس	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۶۱	۰٫۷۰
استفاده از تکنولوژی‌های نوین	یادگیری خودراهبری	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۳۵۹	۰٫۷۴
عملکرد معلم	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۳۱	۰٫۸۸
فرایندهای یاددهی-یادگیری	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۲۴	۰٫۷۰
منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	کیفیت آموزشی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۲۲	۰٫۹۱
جو آموزشی	کیفیت آموزشی	۲۰	۱۰۰	۵۰۰	۴۱۸	۰٫۸۱
محتوای برنامه درسی	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۳۲	۰٫۶۵
تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۲۴	۰٫۶۳
تدوین سیستم ارزشیابی کارا	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۱۹	۰٫۵۵
مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۰۸	۰٫۷۰
توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان	کیفیت آموزشی	۲۰	۲۰۰	۵۰۰	۴۲۰	۰٫۹۷

یافته‌های بخش سوم: بخش کمی

در بررسی توصیفی آزمودنی‌های تحقیق، ۱۸۸ نفر پسر (۵۰٫۵۴ درصد) و ۱۸۴ نفر دختر (۴۹٫۴۶ درصد) بوده‌اند. در رده‌های سنی آزمودنی‌ها، تعداد ۱۲۸ نفر ۱۳ سال (۳۴٫۴۱ درصد)، ۱۲۱ نفر ۱۴ سال (۳۲٫۵۳ درصد)، ۱۲۳ نفر ۱۵ سال (۳۳٫۰۶ درصد) و ۱۵ سال بوده‌اند. در پایه تحصیلی، تعداد ۱۲۶ نفر پایه هفتم (۳۳٫۸۷ درصد)، ۱۲۵ نفر پایه هشتم (۳۳٫۶۰ درصد)، ۱۲۱ نفر (۳۲٫۵۳ درصد) پایه نهم بودند.

برای تشخیص این مسئله که تعداد داده‌های مورد نظر (اندازه نمونه‌ها و رابطه بین متغیرها) برای تحلیل عاملی مناسب هستند یا خیر، از شاخص آزمون تناسب کایزر-میر و آزمون بارلت استفاده گردید. آزمون تناسب کایزر-میر شاخصی از کفایت نمونه‌گیری است که کوچک بودن همبستگی جزئی بین متغیرها را بررسی می‌کند. مقدار KMO (کفایت نمونه‌برداری) برای چهار متغیر داربست‌زنی، مدیریت زمان، یادگیری خودراهبری، و کیفیت آموزشی به ترتیب برابر با ۰٫۹۲۰، ۰٫۹۲۷، ۰٫۹۰۳ و ۰٫۹۰۳ و

۰,۹۱۴ و سطح معناداری آزمون کرویت بارتلت برابر ۰,۰۰۰۹ به دست آمد. بنابراین، علاوه بر کفایت نمونه‌برداری، اجرای تحلیل عاملی بر پایه ماتریس همبستگی مورد مطالعه نیز قابل توجیه خواهد بود.

طبق نتایج عوامل استخراج شده و درصد واریانس تبیین شده توسط مولفه‌های داربست‌زنی، ارزش‌های ویژه ۶ عامل مورد تحقیق بزرگتر از ۷ که مجموعاً تقریباً ۵۸ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۱,۵۱، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۱,۱۰، عامل سوم برابر با ۱۰,۹۲، عامل چهارم برابر با ۹,۱۱، عامل پنجم با ارزش ویژه ۸,۱۹ و عامل ششم برابر با ۷,۸۷ بوده است.

برای متغیر مدیریت زمان، ارزش‌های ویژه ۶ عامل مورد تحقیق بزرگتر از ۷ که مجموعاً تقریباً ۵۸ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۱۱,۸۰، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۱۱,۱۰، ارزش ویژه عامل سوم برابر با ۱۰,۹۹، عامل چهارم برابر با ۸,۵۴، عامل پنجم برابر با ۷,۹۸ و عامل ششم برابر با ۷,۴۹ بوده است.

برای متغیر یادگیری خودراهبری، ارزش‌های ویژه ۸ عامل مورد تحقیق بزرگتر از ۵ که مجموعاً تقریباً ۵۷ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۸,۳۸، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۸,۰۸، عامل سوم برابر با ۸,۰۱، عامل چهارم برابر با ۷,۵۷، عامل پنجم برابر با ۶,۸۲، عامل ششم برابر با ۶,۴۵، عامل هفتم برابر با ۶,۴۲ و عامل هشتم برابر با ۵,۷۴ بوده است.

برای متغیر کیفیت آموزشی، ارزش‌های ویژه ۹ عامل مورد تحقیق بزرگتر از ۵ که مجموعاً تقریباً ۶۰ درصد از تغییرات کل را به عهده دارند، در میان آن‌ها ارزش ویژه عامل اول برابر با ۷,۶۸، ارزش ویژه عامل دوم برابر با ۷,۴۴، عامل سوم برابر با ۷,۴۳، عامل چهارم برابر با ۷,۲۷، عامل پنجم برابر با ۷,۰۹، عامل ششم برابر با ۶,۸۳، عامل هفتم برابر با ۵,۸۸، عامل هشتم برابر با ۵,۵۳ و عامل نهم برابر با ۵,۰۵ بوده است.

بطور کلی در هر پژوهش آماری که پژوهشگر براساس مدل‌های خطی یا غیر خطی (اعم از رگرسیون، تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول، دوم و سوم، تحلیل مسیر و سایر مدل‌های پویا یا ایستا) تصمیم‌گیری کرده، به ناچار باید به بررسی کفایت مدل پردازد که به آن بررسی نیکویی برازش (Goodness of fit) می‌گویند. در مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی و تحلیل مسیر با روش کمترین مربعات جزئی برای بررسی این موضوع از شاخص NFI و SRMR استفاده می‌شود. شاخص NFI برابر با ۰,۸۵۶ و شاخص SRMR برابر با ۰,۰۶۹ است.

برای بررسی الگوی پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم استفاده شده که نتایج در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. مؤلفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در برنامه درسی مبتنی بر دانش ریزوماتیک در دوره ابتدایی

مسیر میان متغیرها	ضریب مسیر	آماره t	p-value	نتیجه
داربست زنی → داربست زنی انگیزشی	۰.۷۲۵	۲۶.۲۶۶	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
داربست زنی → داربست زنی شناختی	۰.۷۸۰	۳۶.۲۸۹	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
داربست زنی → داربست زنی شناختی و فراشناختی	۰.۷۲۶	۲۷.۰۳۳	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
داربست زنی → داربست زنی فراشناختی	۰.۷۶۷	۳۱.۳۶۶	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
داربست زنی → داربست زنی فنی (بافتی)	۰.۷۹۵	۳۷.۶۷۳	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
داربست زنی → داربست زنی رویه‌ای	۰.۷۲۴	۲۸.۲۳۵	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
مدیریت زمان → برقراری نظم و سازماندهی	۰.۷۳۳	۳۱.۴۰۹	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
مدیریت زمان → تدوین اهداف و اولویت‌بندی	۰.۷۸۶	۳۵.۲۲۰	۰.۰۰۰۶	معنی‌دار است.
مدیریت زمان → تصمیم‌گیری مبتنی بر زمانبندی امور	۰.۷۹۴	۳۹.۴۱۱	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
مدیریت زمان → تفویض اختیار	۰.۷۹۱	۳۶.۸۵۱	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
مدیریت زمان → مدیریت ارتباطات بین فردی	۰.۷۲۶	۲۸.۰۵۶	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
مدیریت زمان → کنترل بر زمان	۰.۷۱۷	۲۶.۶۴۸	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
یادگیری خودراهبری → ابتکار و استقلال در یادگیری	۰.۶۸۳	۱۹.۹۲۶	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
یادگیری خودراهبری → استفاده از تکنولوژی‌های نوین	۰.۷۰۴	۲۴.۴۶۷	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
یادگیری خودراهبری → انگیزش در یادگیری	۰.۶۸۰	۲۱.۳۲۸	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
یادگیری خودراهبری → ایجاد و اشتراک‌گذاری دانش در کلاس	۰.۷۱۳	۲۵.۰۳۴	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
یادگیری خودراهبری → خودمدیریتی	۰.۶۷۸	۲۱.۴۵۲	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.
یادگیری خودراهبری → خودکارآمدی	۰.۶۷۴	۲۰.۹۴۸	۰.۰۰۰۹	معنی‌دار است.

یادگیری خودراهبری → خودکنترلی	۰.۷۳۵	۲۹.۴۳۶	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
یادگیری خودراهبری → مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری	۰.۷۳۴	۲۶.۲۹۶	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → تدوین سیستم ارزشیابی کارا	۰.۷۰۶	۲۳.۵۶۶	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه	۰.۶۹۶	۲۴.۰۴۲	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان	۰.۷۵۲	۳۱.۵۶۴	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → جو آموزشی	۰.۷۳۸	۲۹.۹۵۱	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → عملکرد معلم	۰.۷۶۴	۳۲.۲۱۳	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → فرآیندهای یاددهی-یادگیری	۰.۶۹۴	۲۵.۲۳۵	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → محتوای برنامه درسی	۰.۷۴۶	۲۹.۷۸۱	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی	۰.۷۴۲	۲۹.۷۸۹	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.
کیفیت آموزشی → منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	۰.۶۸۲	۲۳.۱۹۵	۰.۰۰۰۹	معنی دار است.

ضریب مسیر استاندارد مستقیم متغیر داربست‌زنی بر کیفیت آموزشی برابر با ۰,۲۷۶ و مقدار t برابر با ۵,۸۹۶ بوده، بنابراین داربست‌زنی بر کیفیت آموزشی تأثیر معنی‌دار دارد. ضریب مسیر استاندارد مستقیم متغیر یادگیری خودراهبری بر کیفیت آموزشی برابر با ۰,۱۶۷ و مقدار t برابر با ۳,۳۷۳ بوده، بنابراین یادگیری خودراهبری بر کیفیت آموزشی تأثیر معنی‌دار دارد. ضریب مسیر استاندارد مستقیم متغیر مدیریت زمان بر کیفیت آموزشی برابر با ۰,۳۲۰ و مقدار t برابر با ۶,۴۷۹ بوده، بنابراین مدیریت زمان بر کیفیت آموزشی تأثیر معنی‌دار دارد. ضریب مسیر استاندارد مستقیم متغیر داربست‌زنی بر مدیریت زمان برابر با ۰,۴۶۰ و مقدار t برابر با ۱۱,۴۱۲ بوده، بنابراین داربست‌زنی بر مدیریت زمان تأثیر معنی‌دار دارد. ضریب مسیر استاندارد مستقیم متغیر داربست‌زنی بر یادگیری خودراهبری برابر با ۰,۴۵۵ و مقدار t برابر با ۱۰,۳۱۴ بوده، بنابراین داربست‌زنی بر یادگیری خودراهبری تأثیر معنی‌دار دارد.

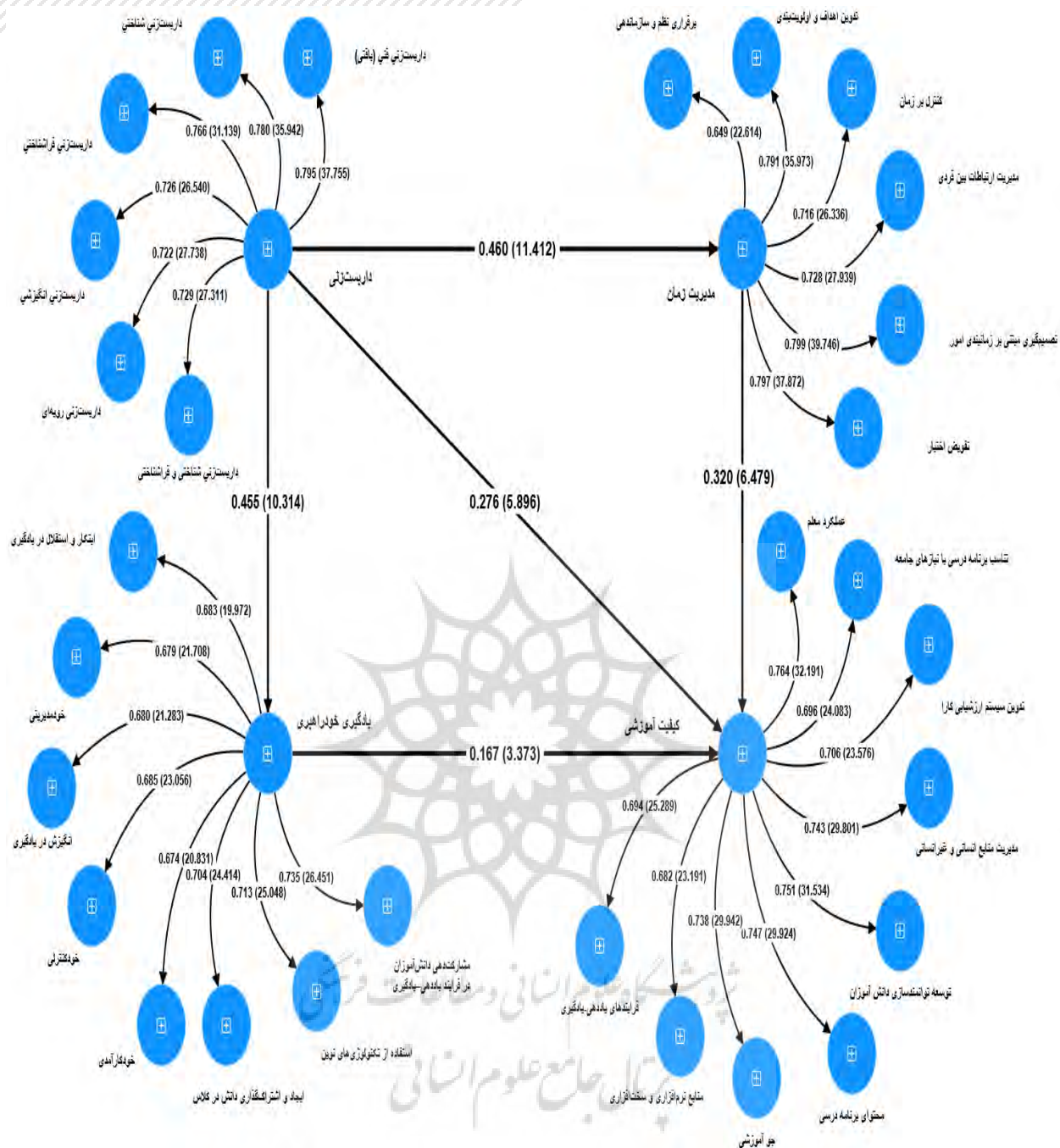
مقدار اثر غیرمستقیم داربست‌زنی بر کیفیت آموزشی از مسیر مدیریت زمان برابر با ۰,۱۴۷ و آماره t برابر با ۵,۷۲۱ بوده، بنابراین مدیریت زمان در تأثیر داربست‌زنی بر کیفیت آموزشی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه نقش میانجی (جزئی) را ایفا می‌کند. مقدار اثر غیرمستقیم داربست‌زنی بر کیفیت آموزشی از مسیر یادگیری خودراهبری برابر با ۰,۰۷۶ و آماره t برابر با ۳,۱۴۹ بوده، بنابراین یادگیری خودراهبری در تأثیر داربست‌زنی بر کیفیت آموزشی در دانش‌آموزان دوره اول متوسطه نقش میانجی (جزئی) را ایفا می‌کند.

طبق جدول فوق، در مولفه‌های داربست زنی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به داربست‌زنی انگیزشی با میانگین رتبه ۳,۷۳ و کمترین اولویت مربوط به داربست‌زنی فراشناختی با میانگین رتبه ۳,۲۷ بوده است. در مولفه‌های مدیریت زمان، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به تصمیم‌گیری مبتنی بر زمانبندی امور با میانگین رتبه ۳,۸۷ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به کنترل بر زمان اداری با میانگین رتبه ۳,۲۲ بوده است. در مولفه‌های یادگیری خودراهبری، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری با میانگین رتبه ۴,۸۳ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به خودکنترلی با میانگین رتبه ۴,۱۸ بوده است. در مولفه‌های کیفیت آموزشی، بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان با میانگین رتبه ۵,۵۱ و کمترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه با میانگین رتبه ۴,۵۳ بوده است.

جدول ۴. اولویت‌بندی مولفه‌های الگوی نهایی

اولویت	میانگین رتبه	مولفه‌ها	متغیر
۵	۳.۳۹	داربست زنی شناختی	داربست زنی
۶	۳.۲۷	داربست زنی فراشناختی	
۱	۳.۷۳	داربست زنی انگیزشی	
۴	۳.۴۸	داربست زنی فنی (بافتی)	
۳	۳.۴۹	داربست زنی شناختی و فراشناختی	
۲	۳.۶۳	داربست زنی رویه‌ای	
۲	۳.۵۷	تدوین اهداف و اولویت‌بندی	مدیریت زمان

۴	۳.۴۸	برقراری نظم و سازماندهی	
۵	۳.۳۶	تفویض اختیار	
۶	۳.۲۲	کنترل بر زمان	
۳	۳.۵۰	مدیریت ارتباطات بین فردی	
۱	۳.۸۷	تصمیم‌گیری مبتنی بر زمانبندی امور	
۴	۴.۵۹	خودمدیریتی	یادگیری خودراهبری
۷	۴.۳۲	انگیزش در یادگیری	
۸	۴.۱۸	خودکنترلی	
۶	۴.۳۴	خودکارآمدی	
۵	۴.۳۵	ابتکار و استقلال در یادگیری	
۱	۴.۸۳	مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فرآیند یاددهی-یادگیری	
۳	۴.۶۲	ایجاد و اشتراک‌گذاری دانش در کلاس	
۲	۴.۷۷	استفاده از تکنولوژی‌های نوین	
۴	۵.۰۶	عملکرد معلم	کیفیت آموزشی
۵	۵.۰۳	فرآیندهای یاددهی-یادگیری	
۶	۴.۹۱	منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری	
۲	۵.۳۴	جو آموزشی	
۳	۵.۲۴	محتوای برنامه درسی	
۹	۴.۵۳	تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه	
۸	۴.۶۳	تدوین سیستم ارزشیابی کارا	
۷	۴.۷۶	مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی	
۱	۵.۵۱	توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان	



شکل ۱. مدل پژوهش در حالت ضرایب استاندارد و معناداری

بحث و نتیجه‌گیری

این تحقیق با هدف ارائه الگوی داربست زنی برای ارتقاء کیفیت آموزشی با میانجیگری مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان داد که مولفه‌های مختلفی در این زمینه مؤثر هستند. داربست زنی شامل شش مولفه: داربست زنی شناختی، داربست زنی فرانشاختی، داربست زنی انگیزشی، داربست زنی فنی (بافتی)، داربست زنی شناختی و فرانشاختی، و داربست زنی روایی است. همچنین، مدیریت زمان دارای مولفه‌هایی چون تدوین اهداف و اولویت‌بندی، برقراری نظم و سازماندهی، تفویض اختیار، کنترل بر زمان، مدیریت ارتباطات بین فردی، و تصمیم‌گیری مبتنی بر زمانبندی امور است. یادگیری خودراهبری نیز شامل مولفه‌های خودمدیریتی، انگیزش در یادگیری، خودکنترلی، خودکارآمدی، ابتکار و استقلال در یادگیری، مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فرایند یاددهی-یادگیری، ایجاد و اشتراک‌گذاری دانش در کلاس، و استفاده از تکنولوژی‌های نوین می‌باشد. در نهایت، کیفیت آموزشی با نه مولفه شامل عملکرد معلم، فرایندهای یاددهی-یادگیری،

منابع نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، جو آموزشی، محتوای برنامه درسی، تناسب برنامه درسی با نیازهای جامعه، تدوین سیستم ارزشیابی کارا، مدیریت منابع انسانی و غیرانسانی، و توسعه توانمندسازی دانش‌آموزان تعریف می‌شود.

نتایج بخش کمی نشان داد که داربست زنی تأثیر معناداری بر کیفیت آموزشی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری دارد. همچنین، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری نیز بر کیفیت آموزشی تأثیرگذار بوده و در الگوی پژوهش نقش میانجی ایفا می‌کند.

روش‌های آموزشی ابزاری مؤثر برای دستیابی به نتایج بهتر در فرآیند یاددهی-یادگیری هستند؛ اما نکته قابل توجه این است که آموختن نیازمند انگیزه است و به نظر می‌رسد روش‌های آموزشی جدیدتر باید برای آموزش دروس مورد آزمایش قرار گیرند. افراد با انگیزه لازم برای به پایان رساندن یک تکلیف، دستیابی به هدف معین و بالا بردن شایستگی خود، موفقیت لازم را در امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی کسب می‌کنند. بسیاری از پژوهشگران داربست زنی را شیوه‌ای مؤثر برای رفع مشکلات یادگیری می‌دانند.

داربست زنی آموزشی به عنوان ساختار پشتیبان‌کننده‌ای است که به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا وظایف و مفاهیم جدیدی را که به طور معمول نمی‌توانند تجربه کنند، بیاموزند. یکی از مزایای این روش این است که دانش‌آموز در محیط یادگیری حمایت می‌شود و با ایجاد محیطی برای یادگیری، انگیزه بیشتری در دانش‌آموزان ایجاد می‌گردد. این روش یادگیری از طریق گفت و گو، بازخورد و به اشتراک گذاشتن مسئولیت تقویت می‌شود و با حمایت و به چالش کشیدن تجارب یادگیری به دست آمده، مربیان می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند که تبدیل به یادگیرنده مادام‌العمر و مستقل شوند.

مدیریت زمان نیز به معنای کنترل زمان و کار خویش را به دست گرفتن است. در مدیریت زمان، تعیین اولویت‌های کاری از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و اولویت با امور و کارهایی است که فوریت و اهمیت بیشتری دارند. با برنامه‌ریزی و اختصاص زمان می‌توان درک افراد از زمان در دسترس را افزایش داد و به صورت هدفمند و ساختاربندی شده از زمان خود استفاده کرد. مطالعات نشان داده است که تکنیک‌های مدیریت زمان موجب ارتقاء عملکرد، اختصاص وقت بیشتر به وظایف با اولویت بالاتر و تسریع در پیشرفت امور می‌شود.

یادگیری خودراهبری در آموزش فراگیران بسیار مهم است. افرادی که ابتکار عمل یادگیری خود را به دست می‌گیرند (یادگیرندگان فعال) در مقایسه با کسانی که به شکل منفعل در کلاس حاضر می‌شوند، مطالب بیشتری یاد می‌گیرند. یادگیری خودراهبری با فرآیندهای رشد روان‌شناختی طبیعی انسان سازگارتر است و بسیاری از تحولات جدید در آموزش، مسئولیت ابتکار و یادگیری را به یادگیرندگان واگذار می‌کند.

کیفیت آموزشی، یکی از مهم‌ترین معیارهای توسعه آموزش است و در اکثر نظام‌های آموزشی، به یکی از مفاهیم اساسی در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی تبدیل شده است. در نتیجه، توجه به ارتقای کیفیت آموزشی به طور مستمر، امری ضروری به نظر می‌رسد.

در پایان، نتایج این پژوهش نشان داد که مولفه‌های داربست زنی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری تأثیر قابل توجهی بر کیفیت آموزشی دارند و می‌توانند به عنوان راهبردهایی مؤثر برای ارتقاء کیفیت آموزشی در مدارس مورد استفاده قرار گیرند. بنابراین، برنامه‌ریزی و اجرای صحیح این مولفه‌ها می‌تواند به بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری و در نهایت، افزایش کیفیت آموزشی منجر شود.

در بسیاری از پژوهش‌ها، داربست زنی به عنوان روشی مؤثر در بهبود یادگیری دانش‌آموزان مطرح شده است. به عنوان مثال، مطالعاتی که توسط Wood, Bruner, and Ross (1976) انجام شد، نشان داد که داربست زنی آموزشی می‌تواند توانایی‌های یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشد. همچنین، مطالعات دیگری نیز نشان داده‌اند که استفاده از تکنیک‌های داربست زنی، انگیزش و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری را افزایش می‌دهد (Hutapea, 2023). پژوهش حاضر نیز نشان داد که داربست زنی به طور معناداری بر کیفیت آموزشی تأثیر مثبت دارد و می‌تواند به عنوان یک راهبرد مؤثر در فرآیند یاددهی-یادگیری به کار گرفته شود.

در زمینه مدیریت زمان، مطالعات مختلفی نشان داده‌اند که مدیریت مؤثر زمان می‌تواند عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را بهبود بخشد. به عنوان مثال، تحقیقاتی که توسط Khan, Ashraf, and Nadeem (2020) انجام شد، نشان داد که دانش‌آموزانی که مهارت‌های مدیریت زمان را به خوبی فرا گرفته‌اند، عملکرد تحصیلی بهتری دارند (Khan et al., 2020). همچنین، Blegur, Wasak, and Souisa (2019) نیز به تأثیر مثبت مدیریت زمان بر نتایج یادگیری دانش‌آموزان اشاره کرده‌اند (Blegur et al., 2019). پژوهش حاضر نیز تأیید می‌کند که مدیریت زمان به طور معناداری بر کیفیت آموزشی تأثیر دارد و نقش میانجی در ارتباط بین داربست زنی و کیفیت آموزشی ایفا می‌کند.

یادگیری خودراهبری نیز یکی از موضوعات مهم در پژوهش‌های آموزشی است. مطالعات نشان داده‌اند که یادگیرندگان خودراهبری که مسئولیت یادگیری خود را بر عهده می‌گیرند، در مقایسه با یادگیرندگان منفعل، موفقیت بیشتری در فرآیند یادگیری دارند (Agranovich et al., 2019; Faramarzi Babadi et al., 2024). نتایج پژوهش حاضر نیز حاکی از آن است که یادگیری خودراهبری به طور معناداری بر کیفیت آموزشی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به عنوان یکی از مولفه‌های کلیدی در بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری مورد استفاده قرار گیرد.

پژوهش‌های پیشین نیز بر اهمیت کیفیت آموزشی و نقش آن در توسعه آموزشی تأکید دارند. به عنوان مثال، مطالعاتی که توسط Tsiligiris and Hill (2019) انجام شد، نشان داد که کیفیت آموزشی یکی از مهم‌ترین عوامل در ارتقای سطح آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها است (Tsiligiris & Hill, 2019). همچنین، Miao (2022) به نقش فناوری در بهبود کیفیت آموزشی اشاره کرده است (Miao, 2022). نتایج پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که ارتقای کیفیت آموزشی نیازمند توجه به مولفه‌های داربست زنی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری است.

در نهایت، نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین همسو بوده و تأکید می‌کند که استفاده از تکنیک‌های داربست زنی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری می‌تواند به طور معناداری کیفیت آموزشی را بهبود بخشد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی و اجرای صحیح این مولفه‌ها می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزشی و در نتیجه، بهبود فرآیند یاددهی-یادگیری منجر شود. لذا، پیشنهاد می‌شود که مدارس و مؤسسات آموزشی با بهره‌گیری از این تکنیک‌ها و ارتقای مهارت‌های مرتبط، کیفیت آموزشی خود را بهبود بخشند (Chen, 2024; Rahman et al., 2022).

این مطالعه با وجود نتایج مفید و ارزشمند، دارای چندین محدودیت بوده است. نخست، تعداد نمونه‌ها محدود به دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهرستان قائمشهر بوده و نتایج ممکن است به سایر مناطق و سطوح آموزشی قابل تعمیم نباشد. دوم، ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌ها و نظرسنجی‌ها بودند که احتمال دارد برخی از پاسخ‌ها به درستی منعکس‌کننده نگرش‌ها و تجارب واقعی دانش‌آموزان نباشند. همچنین، مطالعه بر اساس تکنیک‌های داربست زنی و مدیریت زمان انجام شد و سایر روش‌های آموزشی نوین مورد بررسی قرار نگرفت. در نهایت، محدودیت‌های زمانی و مالی نیز بر انجام کامل و جامع‌تر مطالعه تأثیرگذار بودند.

با توجه به محدودیت‌های ذکر شده، پیشنهاد می‌شود که تحقیقات آینده با نمونه‌گیری از مناطق جغرافیایی مختلف و شامل سطوح مختلف آموزشی انجام شود تا امکان تعمیم نتایج افزایش یابد. همچنین، استفاده از روش‌های کیفی مانند مصاحبه‌های عمیق و گروه‌های متمرکز می‌تواند به درک بهتری از تجارب و نگرش‌های دانش‌آموزان منجر شود. بررسی و مقایسه تکنیک‌های مختلف آموزشی نوین نیز می‌تواند به بهبود روش‌های آموزشی کمک کند. پژوهش‌های آینده می‌توانند تأثیرات بلندمدت استفاده از داربست زنی و مدیریت زمان بر کیفیت آموزشی را بررسی کنند.

بر اساس نتایج این مطالعه، توصیه می‌شود که مدارس و مؤسسات آموزشی تکنیک‌های داربست زنی، مدیریت زمان و یادگیری خودراهبری را به عنوان راهبردهای موثر در فرآیند یاددهی-یادگیری به کار گیرند. آموزش معلمان و مدیران در زمینه این تکنیک‌ها و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های نوین می‌تواند به بهبود کیفیت آموزشی کمک کند. همچنین، تدوین برنامه‌های درسی متناسب با نیازهای جامعه و ارتقای سیستم‌های ارزشیابی کارا می‌تواند به توسعه توانمندی‌های دانش‌آموزان و افزایش کیفیت آموزشی منجر شود. اعمال این تغییرات نیازمند همکاری همه‌جانبه مسئولان، معلمان، دانش‌آموزان و والدین است تا اهداف آموزشی به بهترین نحو ممکن محقق شوند.

تشکر و قدرانی

بدین وسیله پژوهشگران از شرکت کنندگان در پژوهش به دلیل مشارکت فعال در پژوهش و از مسئولان آن‌ها به دلیل موافقت جهت انجام پژوهش و انجام پرسشنامه تقدیر و تشکر می‌شود.

References

- Agranovich, Y., Amirova, A., Ageyeva, L., Lebedeva, L., Aldibekova, S., & Uaidullakyzy, E. (2019). The Formation of Self-Organizational Skills of Student's Academic Activity on the Basis of 'Time Management' Technology. *International Journal of Emerging Technologies in Learning (Ijet)*, 14(22), 95. <https://doi.org/10.3991/ijet.v14i22.11755>
- Blegur, J., Wasak, M. R. P., & Souisa, M. (2019). The Correlation Between Time Management and Student Learning Outcomes in Physical Education. *Facta Universitatis Series Physical Education and Sport*, 289. <https://doi.org/10.22190/fupes190702027b>
- Chen, M. (2022). Study on the Path of Enhancing the Effectiveness of College Students' Education and Management in the Context of Informatization. *Applied Mathematics and Nonlinear Sciences*, 9(1). <https://doi.org/10.2478/amns-2024-0395>
- Elhamifar, A., Mehdinezhad, v., & Farnam, A. (2019). The Effect of Critical Thinking on Metacognitive Knowledge and Epistemological Beliefs of High School Students [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 2(3), 47-55. <https://doi.org/10.29252/ijes.2.3.47>
- Faramarzi Babadi, S., Eskandari Asl, H. A., Dolatyari, F., & Alipoor, H. (2024). Limitations of English Language Learning in Universities of Chaharmahal and Bakhtiari Province and Strategies to Overcome Them [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 124-132. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.1.12>
- Golabchi, H., Kiaee, M., & Kameli, M. J. (2024). Designing a Superior Service Delivery Model in Education to Enhance Public Satisfaction [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 189-197. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.1.18>
- Hutapea, S. (2023). Innovation in Educational Management Leverages Technology and New Approaches to Increase Efficiency and Effectiveness. *Edumaniora*, 2(02), 70-74. <https://doi.org/10.54209/edumaniora.v2i02.42>
- Kafshchian Moghadam, A., Maleki, H., & Sadeghi, A. (2024). Designing a Citizenship Rights Curriculum Model for the Second Period of Elementary Education [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(2), 1-7. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.2.1>
- Khan, M. J., Ashraf, A., & Nadeem, A. (2020). The Effect of Time Management on the Academic Performance of Students in the Higher Educational Institutions of Islamabad. *International Review of Management and Business Research*, 9(3), 202-211. [https://doi.org/10.30543/9-3\(2020\)-16](https://doi.org/10.30543/9-3(2020)-16)
- Kipchumba, S., Limo, A., & Kipsoi, E. (2019). Time Management Ethics for Quality of University Education in Kenya: a Comparative Study of Selected Schools in a Public and a Private University in the North Rift Region of Kenya. *The International Journal of Humanities & Social Studies*, 7(10). <https://doi.org/10.24940/theijhss/2019/v7/i10/hs1910-028>
- Liu, J., Wang, C., & Wu, Y. (2021). Construction and Optimization of Higher Education Management System Based on Internet Video Online Technology. *Scientific Programming*, 2021, 1-11. <https://doi.org/10.1155/2021/5520662>
- Miao, Y. (2022). University Educational Administration Management Platform Integrating Distributed Real-Time Cloud Computing System. *Mathematical Problems in Engineering*, 2022, 1-12. <https://doi.org/10.1155/2022/1378931>
- Miri Rami, S. F., Delgoshaei, Y., & Mahmoudi, A. H. (2022). Identification and Analysis of Effective Factors on the Strategic Intelligence of Education Districts Managers of Tehran City and Provide an Appropriate Model [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 5(1), 113-125. <https://doi.org/10.61186/ijes.5.1.113>
- Paudel, P. (2020). Online Education: Benefits, Challenges and Strategies During and After COVID-19 in Higher Education. *International Journal on Studies in Education*, 3(2), 70-85. <https://doi.org/10.46328/ijonse.32>
- Rahman, A., Dzunur'aini, R., & Nur'aini, I. (2021). Knowledge Management as an Effort to Develop Learning Organizations in Islamic Educational Institutions. *Nidhomul Haq Jurnal Manajemen Pendidikan Islam*, 7(1), 92-102. <https://doi.org/10.31538/ndh.v7i1.2065>
- Safikhani, F. (2022). The effectiveness of grammatical mental imagery with cognitive processing on self-efficacy, emotional processing and spirituality in mothers of students with autism spectrum disorder. *International Journal of Education and Cognitive Sciences*, 3(2), 12-22. <https://doi.org/10.22034/injoeas.2022.160609>
- Şahin, A., Soyly, D., & Jafari, M. (2021). Professional Development Needs of Teachers in Rural Schools [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 219-225. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.1.22>

- Sahito, Z., & Väisänen, P. (2017). Effect of Time Management on the Job Satisfaction and Motivation of Teacher Educators: A Narrative Analysis. *International Journal of Higher Education*, 6(2), 213. <https://doi.org/10.5430/ijhe.v6n2p213>
- Shariati, F., Niazazari, K., & Jabbari, N. (2024). Presenting a Model for Virtual Education Considering Educational Equity with a Phenomenological Approach in Schools of Golestan Province [Research Article]. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 66-78. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.1.7>
- Sobhani, A., Khorasgani, G., Hasan Abadi, K., & Abaspour Esfadan, G. (2020). Presenting a Model for Improving Education Quality Using Emerging Technologies in School Smartization: A Qualitative Study. *School administration*, 8(1), 76-47. <https://doi.org/10.34785/J010.2020.640>
- Tsiligiris, V., & Hill, C. (2019). A Prospective Model for Aligning Educational Quality and Student Experience in International Higher Education. *Studies in Higher Education*, 46(2), 228-244. <https://doi.org/10.1080/03075079.2019.1628203>
- Yang, J., & Seyed Alitabar, S. H. (2024). The Effects of School Size on Student Participation and Sense of Community. *Iranian Journal of Educational Sociology*, 7(1), 205-211. <https://doi.org/10.61838/kman.ijes.7.1.20>

